

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۷، شماره پیاپی ۲۷، پاییز ۱۳۹۶

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمروایی شایسته شهری، مورد شناسی: منطقه آزاد ارس (شهر جلفا)

محمد اسکندری ثانی^۱: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

مهدی ملازاد: دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

امیر پورداداش، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۴

صص ۱۶۸-۱۵۹

دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۰

چکیده

ارزیابی و مدیریت عملکرد یکی از مباحث مهم و ضروری مدیریت استراتژیک منابع انسانی محسوب می‌گردد و ابزاری کاربردی برای افزایش کارایی کارکنان یک سازمان و شهروندان در اداره امور شهرها و در نهایت بهبود عملکرد شهرها به شمار می‌رود. حکمروایی شایسته به عنوان یک پیش شرط اساسی برای عملکرد شایسته بازارها و ایجاد شرایط جذب سرمایه گذاری و تخصیص پایدار سرمایه گذاری های فیزیکی و بهبود کارایی سازمانها و عملکرد شهرها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از سوی دیگر می‌تواند از طریق اثرگذاری بر سایر مولفه های توسعه منطقه در افزایش رفاه عمومی نیز تاثیرگذار باشد. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی - توسعه ای است و با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از مطالعات میدانی و طراحی پرسشنامه به بررسی و سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمروایی شایسته شهری در منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس با نمونه آماری ۳۶۰ نفری پرداخته شده است. برای تجزیه و تحلیل فرضیه از روش آماری آزمون T و آزمون $ANOVA$ استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه معنادار بین معیارهای حکمروانی شایسته شهری و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با اطمینان ۹۹٪ می‌باشد. این نتیجه بیان می‌دارد که اگر زمینه های حکمروایی شایسته در منطقه آزاد ارس پایه ریزی شود، نخست اینکه زمینه‌های لازم را برای مشارکت شهروندان فراهم می‌آید و دوم اینکه میزان رضایت شهروندان و عدم خروج سرمایه مالی را از منطقه شاهد خواهیم بود.

واژه های کلیدی: مشارکت شهروندی، مدیریت شهری، حکمروایی شایسته، منطقه آزاد ارس.

^۱ . نویسنده مسؤل: Meskandarisani@birjand.ac.ir ۰۹۱۵۸۲۴۱۹۴۳

بیان مسأله:

سازمان منطقه آزاد ارس در شروع فعالیت های عمرانی و ایجاد زیر ساخت های اساسی جذب سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی ابتدا به تهیه طرح راهبردی پرداخت که در آن حکمروایی شایسته شهری مورد توجه قرار گرفت (*The master plan of Aras Free Zone, 2013:5*). از این رو این پژوهش سعی دارد نخست به ارزیابی الگوی حکمروایی شایسته و رابطه آن با متغیر مهم مشارکت در منطقه آزاد تجاری ارس و شهر جلفا به عنوان کانون آن بپردازد. الگوی حکمروایی شایسته شهری یک فرآیند مشارکتی توسعه است که همه ذی نفعان شهری شامل حکومت، بخش خصوصی، شهروندان و حکومت های محلی هم در فراهم آوردن ابزارها و هم در حل مسائل شهری دخیل هستند (*Movahed et al, 2014: 148*). این رویکرد برای توسعه (در اینجا برای توسعه منطقه آزاد) به دنبال الگوهای تجویزی نیست بلکه توسعه ای را می طلبد که تحولی اجتماعی را از دورن اجتماع محلی خود نه صرفاً تحول اقتصادی از برون را پیگیری نماید (*Etaat, 2014:59*). این شیوه بر مبنای نظرات فریدمن و پیژگی های متفاوت و نوینی را در بستر مدیریت لازم می داند از جمله رویکرد هنجاری، نوآورانه، سیاسی، مرادده ای و بر مبنای یادگیری اجتماعی و از سوی دیگر دوری از برنامه ریزی جامع عقلانی (*Friedman, 2003*). رابطه حکمروایی و مشارکت تا حدی است که الگوهای مشابه برای همه و تنها یک راه بهترین جای خود را به مدیریت مشارکتی و همیارانه (*Brunner, 2010, 301*) و برنامه ریزی بده-بستانی داده است (*Friedman, 2011*). این آگواره را می توان در مناطق شهری و تجاری اقتصادی همچون منطقه اقتصادی ارس در مدیریت عمومی و شهری گذار به حکمروایی در نهادهای اقتصادی تلقی نمود که در سطوح بالاتر و جامع تر به حکمروایی سازگار موسوم است. حکمروایی سازگار به وضع قواعد و ترتیبات نهادی باز می گردد که که معیارهای حکمروایی شایسته را در شرایط تغییر محلی برای پاسخ به نیازها و ارزش های مشخص اجتماع برقرار می سازد (*Hatfield-dodds et al 2007*). تجربه بیشتر مناطق تسهیلات برای سرمایه گذاری در بخش های اقتصادی و تجاری در سطح دنیا نشان می دهد که دنبال کردن سیاست های نئولبرالیستی منجر به حضور بخش تمام عیار خصوصی فردی و نادیده انگاشتن سهم جامعه مدنی و بخش عمومی است که منجر به حکمروایی شرکتی و یا اقتصادی می شود (*Sarafi et al, 2015:254*).

این رویکرد در نبود فقدان ظرفیت و و نهادهای قدرتمند عمومی و مردمی، فرصت برابر را با بخش خصوصی فردی را برای بهره برداری از فضای مشارکتی در تصمیم گیری های عمومی نمی دهد و عملاً حکمروایی فراگیر و دربرگیرنده نخواهد بود و حکمروایی فن سالارانه شکل خواهد گرفت. با مداخله مشارکت واقعی و راستین مردمی در فرایند حکمروایی در سوی دیگر روند حکمروایی مردم سالارانه شکل خواهد گرفت که در آن عدالت اجتماعی، حفاظت محیط زیست و حکمروایی شایسته همزمان باهم مورد چپینش قرار خواهد گرفت. در این رویکرد اما مشارکت الزامات خاص خود را دارد. اولین شرط، شناخت نگرش ها و تمایلات مردم است که باید با باور توانمندی های آنها همراه باشد. پس از آن ایجاد بستر و شرایط مناسب در عرصه های مختلف است تا با تجربه و آزمون آن بتوان به طور مؤثر در فعالیت های اجتماعی مشارکت کرد. این مساله از یک سوی نیازمند برنامه ریزی برای طراحی الگوها و ایجاد انواع تشکل هاست و از سوی دیگر نیازمند شناسایی ظرفیت های قابل واگذاری برای مشارکت در منطقه آزاد ارس است. آنچه مطرح شد ضرورت پژوهش در این حوزه را آشکار می کند. به این معنا که بدون انجام پژوهش های متعدد نمی توان به شناخت نگرش ها، رفتارها و الزامات مشارکت اجتماعی در جامعه و به ویژه امور شهری دست یافت. در این تحقیق با بیان فرضیه «بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد»، بر اساس الگوی حکمروایی شایسته به بررسی این ارتباط یعنی ارتباط بین مردم و مسئولین شهری در منطقه آزاد ارس خواهیم پرداخت.

چهارچوب نظری تحقیق:¹-Adaptive Governance²-Economic/Corporate Governance

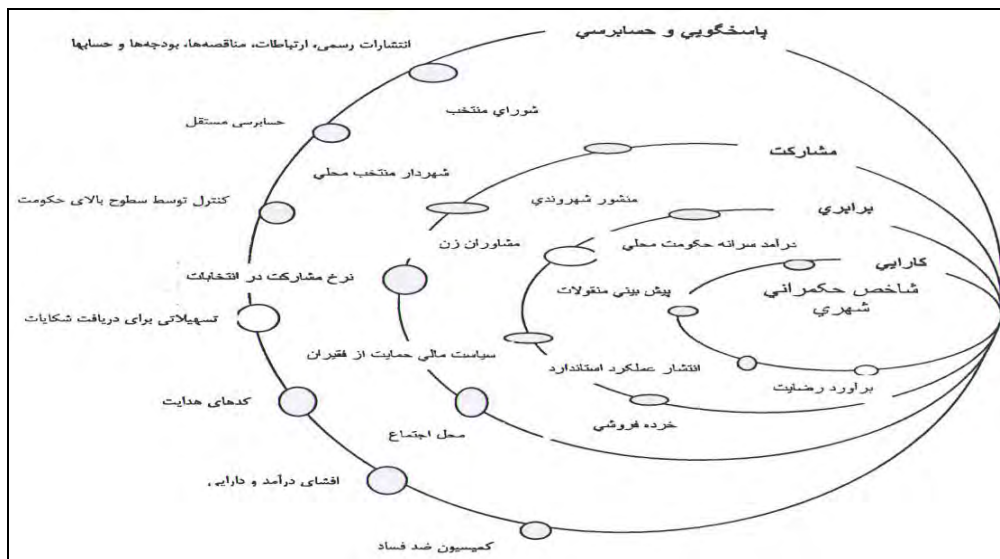
حکمروایی شایسته شهری: عنوان حاکمیت شایسته از اواخر قرن نوزدهم به‌عنوان پاسخی به فساد مدنی در حمایت از کارفرمایان و دستگاه‌های سیاسی به وجود آمد. جنبش‌های ملی با هوشمندی از افزایش ظرفیت حکمروایی و اخلاق مدنی، به عنوان پادزهری برای هرج و مرج زندگی شهری، پشتیبانی کردند (Cave, 2005: 308). تعریف ساده حکمروایی شهری کیفیت روابط میان حکومت و شهروندان است (Sheng, 2010: 134). واژه حکمروایی شایسته نخستین بار در سال ۱۹۸۹ توسط بانک جهانی به‌منظور شناسایی بحران حاکمیت در افریقا ابداع شد (world bank, 1992: 5). بانک جهانی اصطلاح حکمروایی شایسته شهری را اولین بار وارد گفتمان توسعه کرد (Sadashiva, 2008: 7) و سپس از طریق نهادهای بین‌المللی توسعه، همانند بانک توسعه آسیا در سال ۱۹۹۵، صندوق بین‌المللی پول ۱۹۹۶ و برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷ به جریان عادی ادبیات موجود تبدیل شد (Roberts and others, 2007: 970). بنابر منشور هویتیت سازمان ملل متحد، حکمروایی شایسته شهری، اصول به هم وابسته‌ی، پایداری، برابری، کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی، امنیت، فعالیت مدنی و شهروندی را توصیف می‌کند (UN-HABITAT: 2003:14). حکمروایی شایسته شهری بر پایه اصل شهروندمداری بر این نکته تاکید می‌کند که هیچ زن، مرد یا کودکی نباید از دسترسی به الزامات زندگی شهری از جمله سرپناه، امنیت شغلی، آب سالم، بهداشت و بهره‌مندی از محیط زیست سالم، آموزش، تغذیه و امنیت اجتماعی محروم گردد (Nobari et al, 2010: 22).

- پاسخگویی و حسابرسی: در تعریف زیست بوم سازمان ملل متحد پاسخگویی و حسابرسی شامل وجود انتشارات غیررسمی برای مناقصه‌ها و حساب‌ها، کنترل مالی توسط سطوح بالای حکومت، وجود حساب‌رسان مستقل، تسهیل در رسیدگی به شکایات، ایجاد کمیسیون ضد فساد و افشای دارائی‌های مسئولان اشاره دارد (Nobari et al, 2010: 25).
- مردم‌سالاری: شامل دو نوع مردم‌سالاری مشروع و مشارکتی می‌باشد که به حق انتخاب مسئولان توسط مردم و سهیم شدن آنان در امور شهر یا کشور را بیان می‌کند.

- برابری (عدالت): منظور از برابری در این تحقیق عبارت است از حق دسترسی عامه مردم به خدمات اولیه، حضور مشاوران زن در نهاد‌های تصمیم‌گیری شهری و حمایت از نیازمندان و ایجاد محرک برای تجارت‌های غیررسمی اشاره دارد (Ibid, 26).
- کارائی: در این تحقیق کارایی عبارت است از وجود بیانیه چشم‌انداز، توانایی استفاده از بودجه و جمع‌آوری مالیات و عوارض توسط مسئولین شهری، انتشار عملکرد استاندارد و بررسی رضایت شهروندان از عملکرد مسئولین شهری تعریف می‌شود (Ibid, 27).

مشارکت شهروندی: مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگیشان تأثیر قاطع بگذارند. آلن پیرفیت در دیباچه "اثر دسته جمعی و مشارکت چیست" می‌نویسد: مشارکت مورد مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری را گویند به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرایی این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد. یک قرن و اندی سال پیش استوارت میل نوشت: تنها حکومتی می‌تواند؛ ضرورت‌های دولت اجتماعی باشد که همه افراد ملت با آن مشارکت داشته باشند (Torabi et al, 2014: 7).

مدیریت شهری: عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقاء شاخص‌های زندگی شهری در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با همکاری کلیه اجزاء رسمی و غیررسمی مؤثر و ذریبط (اعم از بخش خصوصی و دولت؛ قوای سه‌گانه و مردم) با رهبریت شهرداری و با هدف دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار شهری و با عنایت کلی به اهداف و سیاست‌های کلان کشور (Niromand, 2010: 220).



شکل ۱- شاخص های حکمرانی شهری - منبع: (Nobari, 2013: 24)

منطقه آزاد:

- منطقه آزاد تجاری، طبق تعریف سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^۱ به عنوان محرکه ای در جهت تشویق صادرات تلقی می گردد؛ برداشت جدیدتر از مناطق آزاد غالباً عنوان مناطق پردازش صادرات مورد توجه قرار می گیرد.

- منطقه آزاد عموماً به ناحیه ای محصور شده ای گفته می شود که مقررات اداری و گمرکی حاکم بر سرزمین اصلی در آن معمول نمی باشد و کالاها و مواد اولیه به منظور پردازش و صدور مجدد یا مصرف داخلی به آن وارد می شود. (Mahdi mya, 2010:1)

گونه های مشارکت شهروندان:

۱. مشارکت فردی: در مشارکت فردی، فرد پیشنهاد خود را به کارفرما، کارگزار و یا مسئول ارائه می دهد و به این ترتیب در تصمیم گیری دخالت می کند. مسئول مربوطه ممکن است پیشنهاد را بپذیرد یا نپذیرد. در اینجا فرد فقط وظیفه ارائه پیشنهاد را دارد و تصمیم گیری در اجرای آن و مسئولیت عواقب آن بر عهده کارفرما است. مشارکت از طریق ارائه پیشنهاد به نحو گسترده ای در موسسات و کارخانجات فنی به کار می رود. هر ساله در کشور ژاپن میلیون ها پیشنهاد از طرف کارکنان به کارفرمایان ارائه می شود که درصد قابل توجهی از آنها به کار گرفته می شود.

۲. مشارکت گروهی: در این نوع مشارکت افراد با هم در تصمیم گیری سهیم می شوند، در مشارکت گروهی سهم افراد در تصمیم گیری و عواقب مربوط به آن برابر است. مشارکت در تقسیم بندی دیگری ممکن است به صورت ذهنی یا عملی صورت پذیرد:

- مشارکت ذهنی: یعنی توانایی فرد در ارائه پیشنهاد و تصمیم گیری،
- مشارکت عملی: یعنی دخالت فرد در اجرا و بهره برداری و مراقبت از یک فعالیت. علاوه بر تقسیم بندی های پیش گفته، گاهی مشارکت را به دو صورت مشارکت جزئی و کامل نیز تقسیم بندی می کنند:
- مشارکت جزئی: به مشارکتی که افراد شرکت کننده سهم برابری در تصمیم گیری برای کار ندارند، گفته می شود.
- مشارکت کامل: مشارکتی که در آن اعضاء قدرت برابری برای تاثیرگذاری در تصمیم گیری ها دارند و به عبارتی سهم افراد برابر است (Ghafari, 2011, 8).

روش تحقیق:

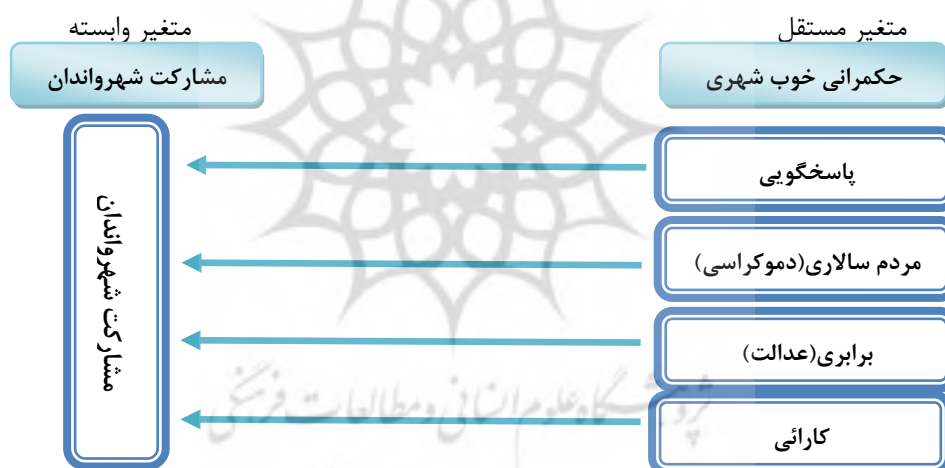
1- (United Nations Industrial Development organization (UNIDO)

2- (Export processing Zones)

نوع تحقیق در این پژوهش از نوع کاربردی - توسعه‌ای و روش تحقیق توصیفی - همبستگی است و با توجه به موارد جمع‌آوری اطلاعات و مطالب مورد نیاز عموماً پرسشنامه‌ای و مطالعات کتابخانه‌ای و اسناد رسمی و مجموعه قوانین مناطق آزاد را شامل می‌شود و منطقه آزاد ارس (محدوده شهری جلفا) به عنوان محدوده جغرافیایی تحقیق نمونه موردی انتخاب شده است براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، جمعیت شهر جلفا ۵۶۲۸ نفر برآورد شده است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل فرضیه از روش آماری آزمون T و آزمون $ANOVA$ استفاده گردیده است. در این تحقیق برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه می‌شود.

مدل تحلیلی تحقیق:

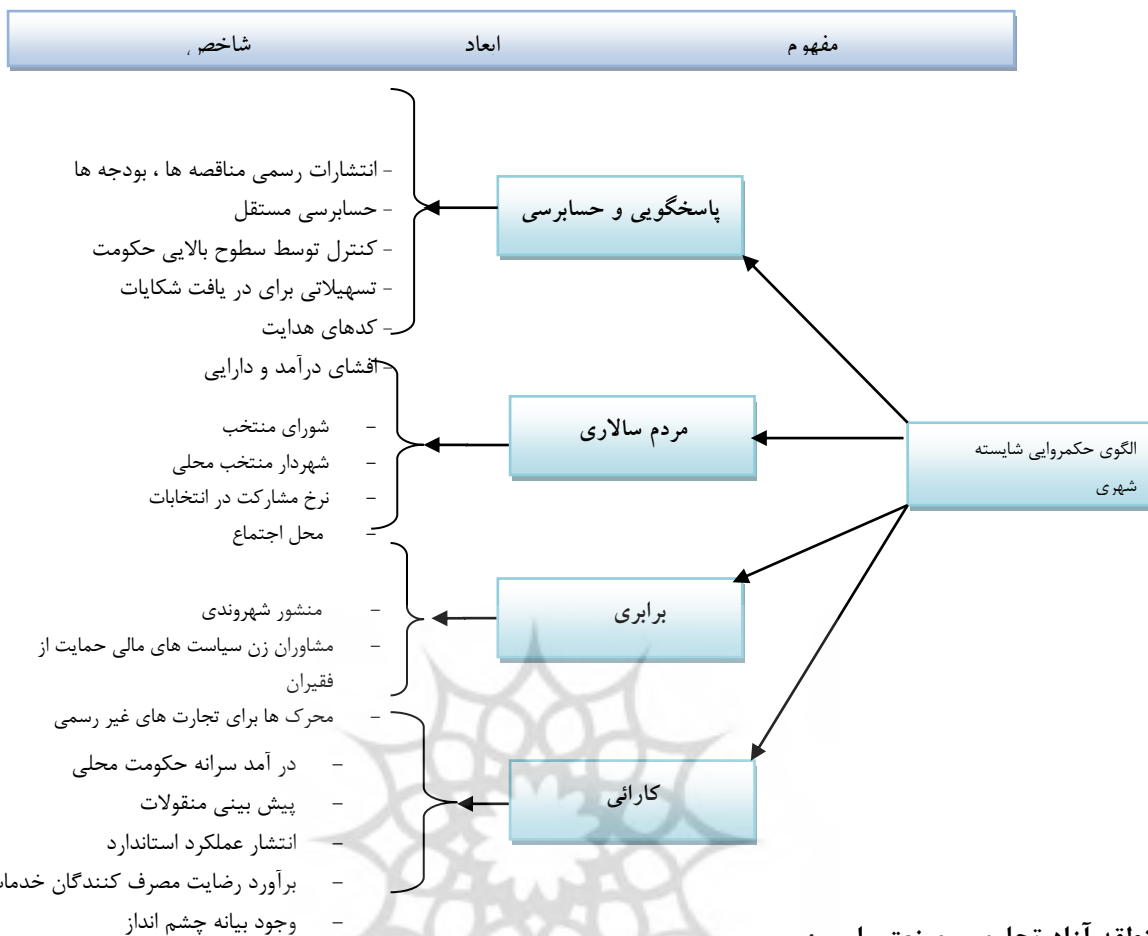
- در این بخش فرضیات تحقیق با توجه به مدل تحلیلی به شرح زیر مطرح می‌گردد.
۱. بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد.
 ۲. بین پاسخگویی مسئولان شهری و مشارکت شهروندان در امور شهری منطقه آزاد ارس رابطه معناداری وجود دارد.
 ۳. بین مردم‌سالاری (رعایت دموکراسی) مسئولان شهری و مشارکت شهروندان در امور شهری منطقه آزاد ارس رابطه معناداری وجود دارد.
 ۴. بین وضعیت برابری (عدالت) در عملکرد مسئولان شهری و مشارکت شهروندان در امور شهری منطقه آزاد ارس رابطه معناداری وجود دارد.
 ۵. بین کارائی مسئولان شهری و مشارکت شهروندان در امور شهری منطقه آزاد ارس رابطه معناداری وجود دارد.



سنجش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس:

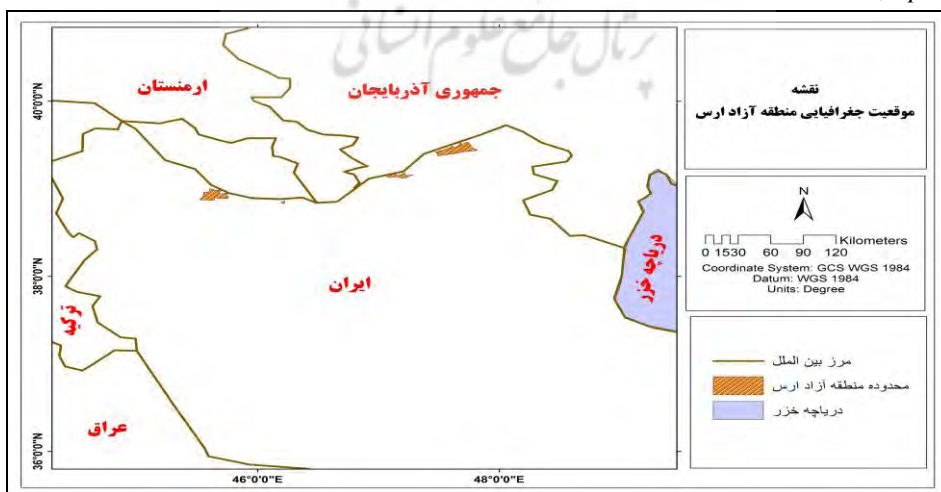
در این تحقیق جهت سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس، از تحقیق زیاری و همکارانش (۱۳۹۱) استفاده شده است. مشارکت به دو بعد کلی عینی و ذهنی تقسیم بندی شده است. هر کدام از این ابعاد دارای ریز ابعادی است که در مجموع از چهار بعد جهت سنجش مشارکت استفاده شده است و در مجموع بیست شاخص برای سنجش میزان مشارکت شهروندان استفاده شده است که به صورت مدل عملیاتی ترسیم شده که در زیر آورده می‌شود.

مدل عملیاتی تحقیق در ارتباط با مفاهیم، ابعاد و شاخص های تحقیق



منطقه آزاد تجاری و صنعتی ارس:

منطقه آزاد ارس در شمال غرب ایران در نقطه صفر مرزی در مجاورت با کشورهای ارمنستان، آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان استقرار یافته است. بر اساس مصوبه هیات وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۷ به شماره ۲۰۷۰۸/ت/۵۳۰۸۲۰ محدوده منطقه آزاد ارس شامل ۹۷۰۰ هکتار از اراضی منطقه می‌شد که براساس مصوبه جدید این هیات محترم در ۱۳۸۷/۹/۱۴ ، محدوده این منطقه به ۵۱ هزار هکتار شامل بخشهایی از ۲ شهرستان جلفا و خدا آفرین افزایش یافت (<http://www.arasfz.ir>).



شکل ۱- موقعیت و محدوده منطقه آزاد ارس

در این جا آنچه که لازم و ضروری است به آن اشاره کرد نحوه اداره مناطق آزاد و نحوه تدوین حکمروایی شایسته شهری طبق قوانین خاص مناطق آزاد می باشد. مطابق ماده ۶ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و ویژه اقتصادی سازمان توسط هیأت مدیره متشکل از سه یا پنج نفر اداره خواهد شد. اعضای هیأت مدیره توسط وزیران انتخاب خواهند شد. مدیر عامل سازمان که ریاست هیأت مدیره را به عهده خواهد داشت، به موجب حکم ریاست جمهوری و از میان اعضای هیأت مدیره منصوب و بالاترین مقام اجرایی در زمینه های اقتصادی و زیربنایی منطقه می باشد. هیأت وزیران مسئولیت و اختیار مجامع عمومی سازمان هر منطقه را به عهده دارد. به استناد ماده ۲۷ قانون مذکور ایجاد هماهنگی در فعالیتهای منطقه به شرح زیر است: به منظور ایجاد هماهنگی در فعالیتهای مناطق آزاد، حسب مورد با تأیید وزیر ذی ربط به یکی از دو روش زیر عمل خواهد شد: - دستگاههای اجرایی (وابسته به قوه مجریه) اختیارات خود در منطقه را به رییس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمانهای مناطق آزاد تفویض نمایند.

- مدیران، رؤسا و سرپرستان دستگاه های اجرایی مستقر در مناطق آزاد به پیشنهاد رییس هیأت مدیره و مدیر عامل سازمان و به حکم بالاترین مقام دستگاه اجرایی منصوب می شوند. در این راستا مناطق آزاد می تواند به دور از قوانین دست و پا گیر نسبت به تدوین الگوی حکمروایی شهری برای مشارکت همه ذی نفعان شهری و اقتصادی گام بردارد.

ارتباط بین حکمروایی شایسته شهری و مشارکت شهروندان در منطقه آزاد ارس (شهر جلفا):

حکمرانی شایسته شهری عاملی پیوند دهنده میان اصول و ارزش های حاکمیتی و رویکردهای نوین و انطباقی سازماندهی به حساب می آید و با بهره گیری از مفاهیم مشارکت، قانون مداری، شفاف سازی، انعطاف پذیری، وفاق محوری، عدالت، کارآمدی و پاسخگویی، زمینه توسعه پایدار را فراهم می آورد. با این تفاوت که تنها، مقوله پایداری در این مفهوم، مورد تمرکز نبوده و زنده نگه داشتن یک شهر هدف اصلی خواهد بود. بدین منظور حکمرانی شایسته شهری با تأکید بر شهروند مداری، به راهبری تعامل های میان افراد، نهادها و بخش های خصوصی و عمومی می پردازد و در این میان مدیران شهری، به عنوان رئیس اصلی اجرایی شهر، با توجه به مشارکت اعضای شبکه، ایفای نقش می نمایند (Tagvaei et al, 2009:52). بنابراین با ورود مدیران شهری به سه حوزه هماهنگی، هدایت کنندگی و انسجام بخشی، زمینه تحقق اهداف حکمرانی شایسته شهری را مهیا می سازند که این مهم یکی از لوازم دستیابی به توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت زندگی شهری محسوب می شود. به همین جهت در این گزارش سعی بر آن شده است تا با بیان تفاوت های میان مفاهیم و کارکردهای هر مفهوم، به پیاده سازی حکمرانی شایسته شهری به عنوان یک ضرورت پرداخته شود. با پیش فرض دانستن این الزام در کسب مزیت در حوزه اداره امور، باید حکمرانی و شیوه های اجرای آن بازسازی شوند و برای رسیدن به بازسازی و پیاده سازی حکمرانی شایسته شهری، فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی و ابزارهای مورد استفاده آن بواسطه قابلیت های این نوع از فناوری ها، در این راه می تواند بسیار مفید و اثربخش باشند. حکمرانی الکترونیک با ایجاد ارتباط نزدیک با شهروندان و اتحاد نزدیک تر و مشارکت با گروه های مختلفی صنفی، حرفه ای و مذهبی و ارتباط متقابل با نهادها، فرصتهایی را برای بازسازی ایجاد می کند، راههای جدید گفتمان و تصمیم گیری های راهبردی، راه های جدید دسترسی به خدمات و انجام معاملات، روش های جدید ارتباط با شهروندان و گروه های مختلف حرفه ای و روش های جدید سازماندهی مبادله اطلاعات را شامل می شود. براین اساس حکمرانی الکترونیک می تواند در رابطه با ساخت و تکمیل چشم انداز جدید حکمرانی و دیدگاه های آن برای شهروندان موثر واقع شود. یعنی حکمرانی ای که در آن با محوریت شهروندان و استفاده از مشارکت آنان، خدمات محور، کارآمد و شفاف است. علاوه بر آن، سیستم های خدماتی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، دمکراتیک ترین و کم خطرات ترین سیستم های خدماتی هستند و می توانند مطمئن ترین و آسان ترین راه پیاده سازی حکمرانی شایسته شهری باشند (Nobar et al, 2010:25).

تجزیه و تحلیل داده ها:

بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد.

بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود ندارد.
 H_0 :

بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد.
 H_1 :

جدول ۲- تحلیل آزمون T برای تعیین همبستگی بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری

مؤلفه های های حکمروایی شهری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	Std. Error Mean
پاسخگویی	۳۶۰	۴/۵۰۵۶	۰/۸۶۷۶۵	۰/۰۹۱۹۷
مردم سالاری	۳۶۰	۴/۳۵۹۶	۰/۹۹۱۴۱	۰/۱۰۵۰۹
برابری	۳۶۰	۳/۹۶۶۳	۱/۱۶۲۳۸	۰/۱۲۳۲۱
کارایی	۳۶۰	۴/۴۹۴۳	۰/۹۹۸۵۳	۰/۱۰۷۰۵
مشارکت شهروندان	۳۶۰	۴/۵۳۶۶	۰/۹۹۵۸۱	۰/۱۰۵۰۹

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

جدول ۳- تحلیل آزمون T برای تعیین همبستگی بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری

Test Value = 0						مؤلفه های حکمروایی شایسته
(اطمینان در سطح ۹۵٪)		میانگین داده ها	Sig. (2-tailed)	df (درجه آزادی)	T	
(مقدار بالا) Upper	(مقدار پایین) Lower					
۴/۶۸۸۴	۴/۳۲۲۸	۴/۵۰۵۶۲	۰/۰۰۰	۲	۴۸/۹۹۰	پاسخگویی
۴/۵۶۸۴	۴/۱۵۰۷	۴/۳۵۹۵۵	۰/۰۰۰	۲	۴۱/۴۸۴	مردم سالاری
۴/۲۱۱۱	۳/۷۲۱۴	۳/۹۶۶۳۹	۰/۰۰۰	۲	۳۲/۱۹۱	برابری
۴/۷۰۷۱	۴/۲۸۱۴	۴/۴۹۴۲۵	۰/۰۰۰	۲	۴۱/۹۸۱	کارایی
۴/۶۵۴۹	۴/۵۱۷۱	۴/۵۳۵۵۹	۰/۰۰۰	۲	۴۲/۴۷۴	مشارکت شهروندان

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۵.

برای آزمون ارتباط متغیر مستقل بر متغیر وابسته این فرضیه از آزمون T استفاده شده است. از آنجا که سطح معنی داری آزمون مربوط برابر $۰/۰۰۰$ می باشد و کوچکتر از $(۰/۰۵)$ می باشد. لذا می توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد بنابر این فرض H_0 رد می شود، ضمناً T محاسبه شده که نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل می توان بیان نمود که حدود $۴۲,۴۷۴$ تغییرات متغیر وابسته (مشارکت شهروندان) توسط تغییرات در متغیر مستقل (حکمروایی شایسته شهری) توجیه می شود. چنانچه در جدول شماره ۲ و ۳ مشاهده می شود در سطح معنی داری دو دامنه ای، سطح معنی داری آزمون T برای هر چهار فرضیه برابر $۰,۰۰۰$ می باشد و این سطح از حداقل سطح معنی داری $۰/۰۵$ کوچکتر بوده و نیز باتوجه به مقدار t محاسبه شده به ترتیب $۴۸/۹۹۰$ برای فرضیه اول و $۴۱/۴۸۴$ برای فرضیه دوم و $۳۲/۱۹۱$ برای فرضیه سوم و $۴۱/۹۸۱$ برای فرضیه چهارم، می توان نتیجه گرفت که رابطه معنی داری بین این چهار فرضیه با مشارکت شهروندان در منطقه آزاد ارس را وجود دارد.

جدول ۴- تحلیل واریانس فرضیه‌های فرعی فرضیه اصلی مربوط به مدل رگرسیونی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	T	Sig
	B	خطای استاندارد	بتا		
فرضیه اصلی	۱۳/۶۵۲	۱/۵۷۴	۱/۲۹۹	۸/۶۷۶	۰/۰۰۰
فرضیه اول	۰/۰۱۴	۰/۰۵۰	۰/۰۵۲	۰/۲۷۲	۰/۰۰۴
فرضیه دوم	۰/۰۱۸	۰/۰۴۱	۰/۰۶۶	۰/۴۴۴	۰/۰۳۴
فرضیه سوم	۰/۰۴۴	۰/۰۵۰	۰/۱۴۲	۰/۷۸۰	۰/۰۴۰
فرضیه چهارم	۰/۸۰۶	۰/۰۹۴	۰/۹۶۹	۲/۱۲۹	۰/۰۴۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۵.

همچنین مدل رگرسیونی بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری به صورت زیر خواهد بود: $Y = 13/652 + 1/229$ (انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر بر اساس الگوی حکمروایی شایسته). پس می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در متغیر انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر بر اساس الگوی حکمروایی شایسته باعث افزایش در متغیر مشارکت شهروندان به میزان ۱/۲۲۹ در منطقه آزاد ارس می‌شود.

نتیجه‌گیری:

نتایج نشان داد که بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون مربوط برابر ۰/۰۰۰ که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می‌باشد بنابراین فرض H_0 رد می‌شود و H_1 مبنی بر (بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد) تایید می‌شود. همچنین مدل رگرسیونی بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری به صورت زیر خواهد بود: $Y = 13/652 + 1/229$ (انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر بر اساس الگوی حکمروایی شایسته). پس می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در متغیر انجام فعالیت‌های مختلف در سطح شهر بر اساس الگوی حکمروایی شایسته باعث افزایش در متغیر مشارکت شهروندان به میزان ۱/۲۲۹ در منطقه آزاد ارس می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. نتایج این تحقیق نشان داد بین معیارهای حکمروایی شایسته شهری و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین معیارهای حکمروایی ارتباط متقابل و تنگاتنگی وجود دارد و این ارتباط در یک راستا است و بین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری منطقه آزاد ارس و الگوی حکمروایی شایسته شهری رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه بیان می‌دارد که اگر مسئولان شهری چه در مناطق آزاد و چه در شهرهای دیگر بر اساس الگوی حکمروایی شایسته شهری رفتار نمایند و در کارها و مسئولیت‌های خود با رعایت مساوات و عدالت با کارایی لازم انجام دهند و نسبت به مردم و مسئولان بالادستی شفافیت و پاسخگویی لازم را داشته باشند، زمینه‌های لازم را برای مشارکت شهروندان فراهم می‌کند و به طبع اگر شهروندان به این احساس دست یابند که مسئولان شهری با تمام وجود در جهت آسایش و رفاه آنان قدم بر می‌دارند رغبت شهروندان به مساعدت و مشارکت مسئولان بیشتر خواهد شد در این راستا پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- مشارکت همه ذی‌نفعان شهری (شهروندان و سرمایه‌گذاران) در امور شهری و پاسخگو بودن مدیران و مسئولان شهری در برابر شهروندان و بوجود آوردن شهروندان مسئول و مدیران پاسخگو.
- آموزش شهروندان و سرمایه‌گذاران با مفاهیم شهر و حقوق شهروندی برای افزایش مشارکت شهروندی.
- افزایش حق دسترسی همه شهروندان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به خدمات و زیرساخت‌های شهری در جهت عدالت اجتماعی.

- ایجاد یک سیستم کارآمد مالی و بودجه ای و سرمایه گذاری در جهت ایجاد درآمد پایدار و شفافیت مالی در منطقه آزاد.

References:

1. Brunner, Ronald d.(2010),*adaptive governance as a reform strategy*” in *policy science*,v.43: pp.301-314.
2. Cave, R.W., (2005), *Encyclopedia of the city*, London & New York.
3. Etaat, Javad et al,(2014), *The Principals Of Sustainable Development In Iran*, Elm Publication.
4. Sarafi, Mozafar(2015),*The Sustainability Of Iranian City Searching The Challenges And The Role Of Urban Planner*, Elm Publication.
5. Tagvaei, ali akbar and tajdar,rasoul(2009), *An analysis on urban well governing (an analysis approach)*, *urban management journal*, No.23.Spring.
6. Zyari, keramatallahe(2012): *Evaluating Participation Of Citizens On The Basis Of Urban Good Governance*, *Journal of Housing and Rural Environment*, V:32.
7. Ghaffari, Golamreza(2011), *Public Participation And Urban Affairs*, *Society and Culture Publication*.
8. Mahdi nya, Vahid(2000), *Jolfa Free Zone, Management and Planning Organization of East Azarbaejan*.
9. Niromand, lilla(2000), *the media and new methods of citizen participation*, *Media Studies*, v12.
10. Nobari, nazak(2000): *Urban good governance is a necessity for the indubitable, the center of research and planning of Tehran municipality*.
11. *The master plan of Aras Free Zone,2013, The Aras Free Zone*
12. Hatfield-Dodds steve et al. (2007)”*adaptive governance: an introduction and implication for public policy*” in: *50th annual conference of Australian agricultural and resource economic society*.
13. Friedman, J. 2002. *The prospect of cities*. University of Minnesota Press. Minneapolis
14. Friedman, J. (2011). *Insurgencies: essay in planning theory*. Rutledge. London and New York.
15. Roberts S.M., Wright S. and O’Neil PH. (2007), *Good governance in the Pacific? Ambivalence and possibility*, *Geo forum*, No.38, pp: 967- 984.
16. Sheng,Y.K, (2010).”*Good Governance in Southeast Asia*”, *Environment and Urbanization ASIA*, 1, 2: 131–147.
17. Sadashiva m. (2008), *Effects of civil society on urban planning and governance in Meysore, India*, *Doctoral thesis, Technical university of Dortmund*.
18. UN- HABITAT (2003), *Local Democracy and Decentralization in East and Southern Africa*. www.unhabitat.org
19. World bank (1992), *Governance and Development Report*, Washington. DC
20. Movahed, ali et al (2014): *Evaluation of urban good governance in urban neighborhoods (Case Study Tehran 19th District)*, *Studies of urban planning*, Issue VII.